

# سرود وطنی

سرودن که ذیلاً بنظر قارئین گرام می‌رسد یادگار دوره فترت و متعلق بموقعی است که مجلس شورای ملی بامر محمد علی‌شاه گلوازه باران شده و مرحوم کسمائی آنرا برای تهبیح افکار کیلانی و جلب کمک و مجاهدت آنها برای استرداد آزادی و مشروطیت ایران بزرگان کیل از خود باقی گذاشته است

\*\*\*

ای ویریزید - <sup>(۱)</sup> ویریزید - براران  
 اولاد ایران - چون شیر غران  
 ای که از سر، که از سر ردا بو <sup>(۲)</sup>  
 خورشید تابان - جان براران

ها <sup>(۳)</sup> وقت یاریه - برای وطن

آمه سرو جان و دل - فدای وطن

ها وقت کوشه ، جان براران

وقت خون جوشه ، جان براران

یارلمان! یارلمان! گشتی توویران

میرابو میرابو - زود بی دیرابو

کیم <sup>(۴)</sup> آهانا مستبد عدلا بحشه  
 آهنگ اسپانیولی - « ویولا ما پیشه »

پول

پول، جنسی است که واسطه مبادله بین اجناس شناخته شده است. اولین دفعه که در بشر عائله تشکیل گردید و زندگانی اندکی وسعت یافت. استحصالات خصوصی، احتیاج خانواده‌گی را رفع نکره و مبادله بوجود آمد، یعنی اضافه تولید یک متاع به بهای تهیه متاع دیگر رفته و اساس

مبادله گذاشته شد. مدت‌ها مبادله جنسی بود و از آن پس در زمانهای متفاوت و در نزد قبائل مختلفه آهن، مس، گندم، پوست، صدف، دواب و غیره هر يك، واسطه داد و ستد تعرفه گردیده و احتیاج انروزی را به نسبت محدود بودن معاملات رفع میکردند، بالاخره نقره و طلا شکل تکمیلی پول را بمعرض بروز گذاشت. بطوریکه تورات نشان میدهد نخستین بار، تاره پدر ابراهیم در يك معامله راجع بفروش مزرعه، نقره را به اعتبار کوسفند بکار برد، چندها نیز در کتب خود از طلا و نقره غیر مسکوک که فقط از حیث وزن در معاملات استعمال میشد، نقل مینمایند و این نشان میدهد که مسکوک در يك طول مدت و توسعه تدریجی به شکل امروزی رسیده و دوره هائی را در عرض جریان خود طی کرده است.

پول در جامعه جنس و متاع، هر دقیقه کارهائی تهیه میشود مسکوک که دانستن ارزش و بدست آوردن شماره استاتیستیکی (۱) اجناس و محدود کردن قیمت هر جنسی را بیک شیئی معین الزام مینماید. همانطوریکه ما برای شناختن وقت، مقیاس زمان (شبانه روز) و وزن، مقیاس وزن را لازم داریم، همانطور هم برای دانستن ارزش، مقیاس مبادله (پول) را لازم خواهیم داشت. البته چیزیکه وزن را تعیین مینماید، باید دارای وزن و بااصطلاح دیگر دارای خصوصیات جنسی باشد (حجم، رنگ، استحکام و غیره). همینطور پول، بنوبه خود با فقدان خصوصیات جنسی، نمی‌تواند واسطه مبادله گردد در اینصورت آن را باید از جنسی انتخاب نمود که متناسب باشد. اولین شرط تناسب آن است که جنسی از جهت مقدار، قابلیت تقسیم اقتصادی را دارا باشد یعنی قطعات قیمت شده، در مواقع تقسیم

(۱) استاتیستک - علم به اعداد و ارقام قسمتهای مختلفه زندگانی



از وزن و ارزش خود چیزی نگاهد و ضمناً قابل قسمت بجزء بوده و در معاملات كوچك و بزرگ تولید اشكال ننماید و همچنین زود ضایع نشده و در استعمال كسر نشود، زیرا طریل محافظان، فرست میدهند که از جنس مذکور، تهیه زیادی بعمل آید و همین موضوع باعث میگردد تزلزل سالیانه نرخ کمتر در او مؤثر بوده و برای قیمت شدن، مناسب تر باشد روی هم رفته، جنسی می تواند پول شود که واجد شرایط ذیل باشد

- ۱ - مال التجاره باشد.
  - ۲ - محکم بوده و در استعمال خراب نشود
  - ۳ - بسیط و نسبت بخود متساوی الاجزاء باشد.
  - ۴ - بجزء و غیر محدود، قابل قسمت بوده و قطعات كوچك آن بتواند برای مسكوك شدن بكار رود.
  - ۵ - کم وزن کم حجم و بی قیمت باشد برای اینکه در حمل و نقل و معاملات بزرگ، تولید زحمت ننماید.
  - ۶ - حتی المقدور مصون از تزلزل نرخی باشد.
- طلا، در نتیجه واجد بودن شرایط مذکوره، طبیعتاً برای پول شدن متناسب گردید، اگر چه آنکه كوچك الماس، بجزء طلا، ارزش کلی را نشان میدهد ولی فاقد قابلیت تقسیم اقتصادی بوده و بعلاوه مانند طلا، جسم متناسب الاجزاء نیست و ارزش آن، از جهت پاکی آب و غیره در تزلزل است.

نقره نیز برای قیمت شدن دارای تناسب گردید فقط برای آنکه، غیر از گرانی ارزش، از هر حیث دیگر با طلا مطابقت بود.

پیدايش چنانچه ذكرش گذشت، فلز متناسب قبل از آنکه بشکل مسكوك مسكوك در آید، ز حیث مقدار، در معاملات بكار میرفت. آچار که نسبت داد و ستد، مقدار کم و زیاد آنها لازم داشتند، مجبور بودند شمش را خرید

گرفته و استعمال نمایند. کم کم برای مسدود کردن راه انقلاب، امتحان کردن فلز متناسب و اطمینان یافتن از آن، مورد دقت واقع گردیده و در عین حال، عدم تکمیل اوزن، (۱) تعیین یک وزن معین را که در معامله ضروری بود، فوق العاده مشکل مینمود، باین جهت و مخصوصاً بجهت مطمئن شدن از پاکی فلز، تاجرها علامت تاجرانخانه خود را در قطعات خرد شده تعیین میکردند. کمی بعد بعضی مراکز مهمه باین کار پرداخته از آن پس دولت بوزنهای مختلفه برای آنکه بتوان اشیاء مختلفه القیمه را خریداری کرد، فلز را خرد مینمود یعنی یقین میکرد که در فلان فلز متناسب چه مقدار شمش موجود است. در تمامی اوقات، مسکوک را کمی زوزن خالص کسر کرده و عیار به آن اضافه نمودند ولی در قیمت تفاوتی نکرده و اعتبار خود را از دست ندادند (۲) و بهمین مناسبت نظریه پیدا شد که فلز، در یک مسکوک، مهم نبوده بلکه علامت سلطان و نظیر آن، مورد اهمیت است و میتوان، علامت مذکور را در شیبی کم قیمت و سبک وزن بکار برده و آنرا در معاملات استعمال نمود و از اینجاست پیدایش یول کاغذی و غیر فلزی شروع میشود. تاریخ ایران، استعاب کردن قطعات چرم و استعمال آنرا در داد و ستد، به یکی از پادشاهان سلسله چنگیزی نسبت میکنند و در اروپا، این نظریه که کاغذ با داشتن علامت دولت می تواند یول بشود، بوسیله یکی از علمای امور مالی لوژونوم لو، (۱۷۲۹ - ۱۶۷۱) بوجود آمد.

- ۱ - تکمیل مسکوک در اثر پیدایش مقیاس سلسله معاری است. اگر مقیاس مذکور نبود، یول نیز نظیر وزن نمی توانست باین حد برسد.
- ۲ - اعتبار مسکوک از حیث وزن خالص آن است و اگر اضافه شدن عیار که برای سهولت عمل و استحکام مسکوک و ضمناً تعدیل خرج بکنار برده شده، قیمت یول را کسر نه نمود برای کمی مقدار آن بود که به نسبت وسعت معامله، محسوس نمیکردید چنانچه فرانسه پس از اضافه کردن مقدار عیار و اجتناس به تنزل قیمت بالاخره مجبور شد، مسکوک خود را به وزن خالص  $\frac{9}{11}$  قرار دهد و مسکوک انگلیس  $\frac{11}{12}$  وزن دارد. امریکا نیز در سال ۱۸۳۷ طریقه مسکوک فرانسه را اتخاذ نمود.



پول کاغذی در دفعه اول برای فقدان شرایط لازمه نتوانست  
 مستقیماً اعتبار خود را حفظ نماید و باین واسطه متزلزل  
 و مجبور شد به طلا تکیه کرده و در حقیقت نماینده پول مسکوک باشد.  
 کم کم در جریان معاملات به چند قسم (اسکناس نوت بانک، اوراق  
 اعتباری تجارخانه و غیره) در آمده و ما در اینجا فقط يك قسم آن را  
 که اسکناس نامیده میشود و مراد از آن پولهای کاغذی دولتی است، بطور  
 اختیار تشریح کرده و از شرح اقسام دیگر صرف نظر میکنیم.  
 پول کاغذی دولتی (اسکناس) پولی است که دولت آنرا برای تادیبه و احتیاج  
 خرید معین میکند و این اگر بمقدار طلای موجوده که ضمانت مستقیم  
 کاغذ را بعهده گرفته است و یا اموال و عوائد دولت (زمین، مالیات  
 عوارض ورودی و خروجی و غیره) که میتواند غیر مستقیم، ضامن  
 اسکناس شناخته شود، طبع و نهیه گردد، تساوی قیمة خود را همیشه  
 با طلا حفظ خواهد نمود، ولی هرگاه زیاده از حد کفایت بوده و از  
 مقدار معین که در اساس عمل، برای هر دولت تعیین شده است، اضافه باشد  
 عایدات دولت را کسر و به مخارج آن، خواهد افزود.  
 اسکناس، چون از طرفی دولت تهیه شده، در معاملات مملکتی  
 (در زمان صلح و آرامش) بر طلا و سایر پولها، آنکه تغییر نماید واسطه  
 برای قوه تادیبه میگردد، ولی پولهای اعتباری که اشخاص و یا شرکتها  
 آنرا ضمانت کرده اند، ممکن است گاهی در اثر رشد و ترقی يك مؤسسه  
 اعتبار خود را حفظ کرده و زمانی برای ورشکستگی مؤسسه دیگر، بکلی  
 از بین برود. بهمین جهت، در مواقع عادی، اسکناس بیشتر از اقسام دیگر  
 پولهای کاغذی اعتبار داشته و بر عکس در هنگام جنگ و انقلاب  
 که مخارج دولت زیاد شده و توازن پول بهم میخورد، مردم  
 از اولی احتراز کرده و بدومی زیاد تر توجه مینمایند.

پول کاغذی متاسفانه دولت ایران پول کاغذی ندارد و از يك مقدار هنگفت در ایران عایدی که ممکن بود مخارج آنرا تکفل نماید، محروم میباشد زیرا امتیاز طبع اسکناس را، در ضمن امتیاز بانك در ۲۷ جمادی الاول ۱۳۰۶ هجری قمری مطابق ۲۰ ژانویه ۱۸۸۹ میلادی (بنام بانك شاهنشاهی ایران) بیک کمپانی انگلیس، بسارن ژولیوس روتتر و شرکا برکنار نموده. در نتیجه این امتیاز، بمقدار تمام مبالغ اسکناس های موجوده در جریان معاملاتی، پول ویا متاع دیگر ایران، عاید کمپانی مذکور میگردد که بهر طریق بخواهد، میتواند از آن استفاده نماید. بطوریکه در امتیاز قید گردیده حقوق دولت ۱۶٪ از منفعت خالص بانك است و این، تقریباً در سال کمتر از چهار هزار لیره انگلیسی نیست البته بانك معاملات بسیار مینماید و منافع آن، منحصر به منفعت عایدۀ از اسکناس نمیشد و از کلیۀ منفعت کم یا زیاد، فقط بدوات ۱۶٪ سهم میدهد ولی در این منفعت، پولی که بجای اسکناس عاید بانك میگردد ابتدا بحساب نیامده و منفعتی برای آن، ملحوظ نیست، بعد علی کبک

## شرفشاهی

نگارخانه علمی و مطالعات فرهنگی  
رساله علمی و اجتماعی

چون اصل دیوان عارف شهیر (شرفشاه) در دست نیست نگارنده آنچه از رباعیات این مرد حکیم در دست دارد بتدریج زیب صفحات مجله خواهد نمود در ضمن از فضلا و ادباء محترم خواهشمند است چنانچه رباعیات زیاد تری بیش از آنچه در صحایف مجله بطبع خواهد رسید میدانند یا اطمینان دارند که بعضی از کلمات آن بمروزرمان تحریف شده است از اطلاع به مجله دریغ نفرموده قرین امتنانمان دارند. توضیحا با آقایانی که مایلند از آهنگ شرفشاهی مطلع باشند و بما نیز